

ذکر الله متعال

خطبه اول

الحمد لله القائل في كتابه الكريم ﴿يَتَّيِبُهَا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (٤١) وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ (الأحزاب: ٤١ - ٤٢) وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له. وعد الذاكرين الله كثيراً والذاكرات أجراً عظيماً وثواباً جزيلاً. وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. كان يذكر الله على كل أحيانه بجوارحه وبقلبه ولسانه و ويحث على ذكر الله تعظيماً لشأنه. صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وأعوانه. وسلم تسليماً كثيراً. اما بعد:

الله جل جلاله ميفرمايد: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللهِ أَلَا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (الرعد: ٢٨) «كسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد الله است و بدانید تنها با یاد الله دل ها آرام می گیرد».

برادران و خواهران مسلمان! از دیدگاه اسلام هیچ چیز به اندازه ذکر و یاد الله و دارای ارزش و اهمیت نیست و بلکه همه امور دیگر برای توجه انسان به الله است. قرآن کریم با توجه به آثار حیات بخش یاد الله و در موارد فراوانی مؤمنان را به یاد الله فرا خوانده و به مداومت آن امر فرموده است تا مؤمنان با آن آب حیات و دلهای خویش را سیراب و از آثار پر خیر و برکت آن برخوردار گردند.

ذکر و یاد الله آثار سازنده روحی و اخلاقی فراوانی دارد که یاد متقابل الله از بنده و روشنی دل و آرامش قلب و ترس از (نافرمانی) الله و بصیرت و شناخت شیطان و بخشش گناهان و وعلم و حکمت از جمله آنهاست.

ذکر الله یکی از زیباترین جلوه های ارتباط با پروردگار و اساسی ترین راه های سیر و سلوک است؛ یعنی مترنم بودن زبان و قلب انسان به اسمای حسنی الهی و شاداب نگه داشتن گل روح در زیر باران یاد حق.

ذکر الله و از یاد بردن هستی محدود خویش در رهگذر یاد اسمای الهی است و تداوم و استمرار آن زنگار گناهان را از روی دل می زداید؛ زیرا غفلت و فراموشی حق تعالی و ساحت دل را مکدر می کند.

از اینجاست که یکی از رسالتهای پیامبران و کتابهای آسمانی و برطرف نمودن این کدورت و تاریکی است و به همین علت یکی از نامهای قرآن کریم ذکر می باشد که موجب یادآوری الله متعال می باشد؛ بنابراین یاد الله انسان را از پستی مادیت به اوج معنویت می رساند و امید را در انسان زنده می کند و یأس و ناامیدی را که از تنگناهای زندگی مادی و معادلات بشری ناشی می گردد و برطرف می کند. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم توصیه می نمایند: "لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللهِ" (الترمذی ٤٥٨/٥ و ابن ماجه ١٢٤٦/٢ و ننگا: صحیح الترمذی ١٣٩/٣ و صحیح ابن ماجه ٣١٧/٢). یعنی «همیشه زبانت به ذکر الله تر باشد» ذکر الله آثار و ثمرات اعجاب آور و با شکوهی دارد که هر یک از آنها در سازندگی روحی و اخلاقی انسان تأثیر به سزایی دارد.

اولین اثر ذکر الله این است که الله متعال نیز انسان را یاد می کند:

﴿ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴾ (البقرة: ۱۵۲) «پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و شکر کنید مرا و نا شکری من نکنید». و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي وَ أَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي وَ فَإِنِ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَ وَإِنِ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ وَ وَإِنِ تَقَرَّبَ إِلَيَّ شَيْئًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا وَ وَإِنِ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا وَ وَإِنِ اتَّانِي بِمِشْيِ اتَيْتُهُ هَرَوَلَةً» متفق علیه.

الله متعال می فرماید: «من نزد گمان بنده ام نسبت به خودم می باشم و هرگاه ذکر مرا کند من با او هستم و واگر مرا در دلش ذکر کند من او را نزد خودم ذکر می کنم و واگر مرا در گروهی ذکر کند و من او را در گروهی بهتر از آن گروه ذکر می کنم - هرگاه یک وجب به من نزدیک شود و یک گز [دست انسان از سر انگشتان تا آرنج] به او نزدیک می شوم و واگر یک گز به من نزدیک گردد و یک بازو [اندازه از سر انگشتان دست راست تا سر انگشتان دست چپ وقتی که دستها را افقی بطرفین باز کنند] به او نزدیک می گردم و واگر با راه رفتن به سوی من آید و من شتابان به سوی او می روم». ذکر الله سبب آرامش دل و سکون قلب بنده مومن می شود و همان آرامش و اطمینان گمشده انسان امروزی که در آرزوی به دست آوردن آن می باشد و قرآن کریم راه رسیدن به آرامش را به بشر معرفی نموده میفرماید:

﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴾ (الرعد: ۲۸)

«کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد الله است و بدانید تنها با یاد الله دل ها آرام می گیرد». آری! یاد الله داروی معنوی اضطراب و افسردگی است که از نظر روانشناسی علل آن ترس و آینده مبهم و نگرانی از شکست خوردن و ترس از بیماریها و نگرانی از عوامل طبیعی می باشد. گذشته از مسأله بیماری اضطراب و آرامش طلبی در فطرت انسان ریشه دارد و در سرشت انسانها حس آرامش جویی نهفته است و بسیاری از فعالیتهای آدمی در حقیقت پاسخ به ندای الهی فطرت است.

وقتی به زندگی خود و بسیاری از افراد نظر می کنیم و می بینیم هدف بسیاری از کارهای ما دستیابی به گوهر گرانبهای آرامش است؛ یعنی انسانها در طول زندگی خود تلاش می کنند تا به آرامش خاطر وطمأنینه نایل شوند. در این دیدگاه بین انسانها اشتراک نظر وجود دارد و ولی اختلاف نظر در تعیین و تشخیص چیزهایی است که به زندگی آرامش می بخشد.

بسیارند کسانی که این گوهر نفیس را در گرو ثروت اندوزی و رفاه مادی می دانند و آرامش گم شده خود را در آن می جویند و به قول خودشان و بار خود را می بندند تا برای عمری و خیال آسوده و آرامش خاطر داشته باشند؛ گروهی نیز آرامش را در کسب مقام و شهرت می بینند و برای آن خود را به آب و آتش می زنند؛ گروهی - به اشتباه - آرامش را در پناه بردن به دامن «اعتیاد» می بینند تا دمی آرامش و تسکین یابند که این آرامش کاذب است.

ولی قرآن مجید تنها نسخه شفابخش اضطراب را یاد الله می داند و تنها پاسخ ندای فطرت را و ذکر

الله می بیند. ذکر الله زمینه رستگاری انسان را فراهم می سازد چنانکه الله میفرماید:

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الجمعة: ۱۰) «الله تعالی را بسیار یاد کنید و باشد که رستگار شوید».

آنان که به یاد الله هستند از وسوسه‌های شیطان متأثر نمی‌شوند و یاد الله سلاحی است که از آنها در برابر شیطان محافظت می‌نماید. چنانکه الله متعال میفرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَافٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ (الأعراف: ۲۰۱)
«پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند و به یاد الله و پاداش و کیفر او می‌افتند؛ (در پرتو یاد او و راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌شوند».

با توجه به اهمیت «ذکر الهی» و نقش سازنده آن در پیشرفت معنوی انسانهای مؤمن و الله مؤمنان را از توجه به اموری که انسان را از یاد الله باز می‌دارد بر حذر می‌دارد:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا لِنَهْكَرُ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (المنافقون: ۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید و اموال و اولادتان شما را از یاد الله باز ندارد و هر کس چنین کند از زیانکاران است».

بدیهی است توجه به مال و زندگی دنیوی در صورتی نهی شده است که انسان را از یاد الله باز دارد و به عبارت دیگر؛ هدف انسان در زندگی توجه به آنها باشد ولی در صورتی که انسان مراقب نفس خویش باشد و از اینها به عنوان وسیله برای رسیدن به سعادت ابدی استفاده کند و نه تنها مذموم نیست بلکه سفارش هم شده است. پس اموال و اولاد تا آنجا که از آنها در راه الله و برای نیل به حیات طیبه کمک گرفته شود و از مواهب الهی هستند و مطلوب می‌باشد اما اگر علاقه افراطی به آنها سدی در میان انسان و الله ایجاد کند و بزرگترین بلا محسوب می‌شود و خسروانی بزرگ است که در آیه شریفه به همین معنا اشاره شده است. تعبیر به «خاسرون» به خاطر این است که حب دنیا چنان انسان را سرگرم می‌کند که سرمایه‌های وجودی خویش را در راه لذت ناپایدار و اوهام و پندارها صرف می‌کند و با دست خالی از دنیا می‌رود در حالی که با داشتن سرمایه‌های بزرگ برای زندگی جاودانه‌اش کاری نکرده است.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذکر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

برادران و خواهران مومن! همانگونه که «ذکر الهی» منشأ آثار و برکات فراوانی است و دوری از یاد الله نیز پیامدهایی را به دنبال دارد از جمله خودفراموشی طوریکه در آیه کریمه به آن اشاره شده است:

﴿ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ ﴾ (الحشر: ۱۹) «مانند کسانی که الله را فراموش کردند نباشید که الله نیز آنها را به خود فراموشی دچار ساخت». در حقیقت فراموشی الله تعالی و ترک شکر و ذکر الهی است و نیز ترک طاعت در بندگی راهم به همراه دارد» و زیرا از یکسو فراموشی پروردگار سبب می شود که انسان در لذات مادی و شهوانی فرو رود و هدف آفرینش خود را به فراموشی بسپارد بنابراین از توشه اندوختن برای فردای قیامت غافل بماند.

از سوی دیگر فراموشی الله تعالی و همراه با فراموش کردن صفات پاک اوست - که الله تعالی هستی مطلق و علم بی پایان و غنای بی انتهاست و هر چه غیر از اوست وابسته و نیازمند به ذات پاکش می باشد - همین امر سبب می شود که انسان خود را مستقل و غنی و بی نیاز بشمارد و بر نفس خود اعتماد کند و با اینکه باید به پروردگارش اعتماد نموده و از او یمنناک و به او امیدوار باشد.

و همه اینها عامل اصلی فسق و فجور است بلکه این و خود فراموشی و مصداق خروج از طاعت الله متعال است. و هر گاه مسلمان از الله دور گردد شیطان همراه و قرین وی میگردد

چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿ وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ سَيِّئَاتِهِ فَوَهُ لَهُ قَرِينٌ ﴾ (الزخرف: ۳۶) «و هر کس از یاد الله رویگردان شود شیطانی برای او می گماریم تا همنشین او شود».

یکی دیگر از عوامل و روی گردانی از ذکر الله و همنشینی با شیطان است. و به این دلیل که آنها در دنیا و چشم دلشان را به حقایق بسته بودند و بر اساس آن و الله را فراموش نموده بودند و الله نیز در قیامت آنها را مورد فراموشی قرار داده و بینایی آنها را می گیرد و طوریکه الله متعال میفرماید:

﴿ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴾ (طه: ۱۲۴)

« و هر کس از یاد من رویگردان شود و زندگی (سخت) و تنگ خواهد داشت و روز قیامت او را کور و وارد محشر می کنم». زمانیکه این افراد اعتراض می کنند ما در دنیا و بینا بودیم و

﴿ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴾ (طه: ۱۲۵) « پروردگارا! چرا مرا نابینا برانگیخته ای؟ در حالیکه یقیناً من پیش از این بینا بوده ام» جواب می شنوند: ﴿ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَهَا وَكَذَلِكَ

الْيَوْمَ نَسِيَهَا ﴾ (طه: ۱۲۶)

« می گوید: همین است و آیات من به تو رسید و تو آنها را نادیده گرفتی و همان گونه هم تو امروز نادیده گرفته می شوی». و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید: «مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ رَبَّهُ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ» صحیح بخاری «صفت کسی که ذکر پروردگارش را می کند و آنکه ذکر پروردگارش را نمی کند و همانند زنده و مرده است». انسانی که در تمامی لحظات زندگی به یاد ذات پاک است که سرچشمه تمام خوبی ها و نیک ها می باشد و به این وسیله روح و جان خود را پاک و روشن می سازد و الله نیز در تمامی مراحل زندگی و در اوج مشکلات و سختی ها او را تنها نمی گذارد.

چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَ أَرْكَأهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَ أَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ وَخَيْرَ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرِقِ وَ وَخَيْرَ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَ يَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟ قَالُوا بَلَى. قَالَ: ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى» (الترمذی

۴۵۹/۵ و وابن ماجه ۱۲۴۵/۲ ونگا: صحيح ابن ماجه ۳۱۶/۲ و صحيح الترمذی ۱۳۹/۳.

«آیا شما را خبر ندهم به بهترین و پاکترین کردار تان نزد مالکتان (الله)؟ اعمالی که درجه شما را بالا می برد برای تان بهتر است از انفاق طلا و نقره و از درگیری با دشمنان تا جائیکه گردنشان را بزنید و گردنشان را بزنید! گفتند: آری و فرمود: «ذکر الله تعالی».

آری! ذکر الله از بزرگترین عبادات و بهترین حسنات است و در برابر تهاجم و سوسه های نفس و نفوذ شیطان به انسان مصونیت می بخشد. پرده های خودخواهی و غرور را که بزرگترین دشمن سعادت انسان است می درد و او را از خواب غفلت بیدار می کند و از خطراتی که سعادت وی را تهدید می کند آگاه می سازد. ذکر الله مانند دانه های حیاتبخش باران است که بر سرزمین روح و قلب انسان می بارد و انواع بذرها را فضیلت و تقوا را شکوفا و بارور می سازد و وهر اندازه درباره اهمیت این عبادت سخن گفته شود باز هم کم است.

ذکر مقامی بسیار بلند دارد و دارای مراتب و درجاتی است؛ اولین مرتبه آن و «ذکر لفظی و زبانی» است و مراد از «ذکر لفظی» تنهاجانبانیدن زبان نمی باشد چراکه اگر توجه به معنای الفاظ نباشد و هیچ ارزشی ندارد و برای مثال گاه انسان افرادی را می بیند که در حالیکه با زبان مشغول «ذکر الله» هستند و در عمل مرتکب گناه و معصیتی می شوند! و حال آنکه ذکر حقیقی و انسان را از گناه بازمی دارد.

مرتبه دوم؛ ذکر قلبی است یعنی توجه به الله از دل انسان بجوشد و به زبان جاری شود و

مرتبه سوم؛ یاد کردن الله در تمامی احوال است و اینکه انسان حتی یک لحظه هم از یاد الله غافل نباشد و در تمامی اوقات الله را حاضر و ناظر بر اعمال خویش بداند. البته یاد الله متعال فقط ذکر زبانی نیست بلکه شامل قرآن خواندن و ادای نماز نافله و درود فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خواندن دعا های ماثور در موارد مختلف و یاد عظمت الله در مجالس نیز می باشد؛ چنانکه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ فِيهِ وَ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ تِرَةٌ وَ فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُمْ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُمْ» (الترمذی و ونگا: صحيح الترمذی ۱۴۰/۳).

«هر آن گروهی که در مجلسی بنشینند و در آن ذکر الله نکنند و بر پیامبر شان صلوات نفرستند و برایشان باعث افسوس است و واگر الله بخواهد عذابشان می دهد و واگر بخواهد آنان را می آمرزد». همچنان مجالس باید با خواندن دعای کفاره مجلس خاتمه یابد از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«هر کس در مجلسی بنشیند و سخنش در آن بسیار شود - سخنی که از آن خیر آخرت متصور نیست - و قبل از آن که از آن مجلس برخیزد و بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» «بارالها! پاک و منزّه تویی و به سپاس و ستایش تو می پردازم و شهادت می دهم که جز تو پروردگاری نیست و از تو آمرزش می طلبم و به درگاه تو و توبه می نمایم» تمام اشتباهاتی که در آن مجلس از او صادر شده است و بخشیده می شود». روایت ترمذی و ابن ماجه.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب: ٥٦) اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين. اللهم ارض عن الصحابة الأخيار و آل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و أهل بيت نبيك و أصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لما حَب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آت نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.